

مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۹۴
بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۴-۴۹

باز خوانی عبارت «اقرّب الناس الیه علی بن ابی طالب...» در باب ششم فتوحات*

دکتر سید حسین سید موسوی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: shmosavi@um.ac.ir

چکیده

در این مقاله ضمن طرح عبارت «اقرّب الناس الیه علی بن ابی طالب...» اختلاف مهم در ادامه عبارت را مطرح می‌کنیم و دیدگاه هر یک از موافقان و مخالفان را مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس به نتیجه‌گیری از این نزاع پرداخته و این طرح را توضیح می‌دهیم که: عبارت‌های مختلف از سوی ابن عربی نقل شده است، چه بسا این اختلاف به خاطر به سرقت رفتن اولین نسخه فتوحات توسط راهزنان و یا استنساخ ناسخان و نوشته شدن دوباره آن توسط ابن عربی در آسیای صغیر باشد. نیز نتیجه عبارت‌ها یکی است چرا که در تمامی نقل‌ها بخش اول آنکه «اقرّب الناس الیه علی بن ابی طالب» است، مورد اتفاق می‌باشد.

چه عبارت به صورت امام العالم و سر الانبیاء باشد و چه عبارت به صورت اسرار الانبیاء اجمعین و یا امام العالم و سر الانبیاء اجمعین در اصل استفاده و دلالت عبارت ابن عربی خللی وارد نمی‌کند، حداکثر ویژگی که لفظ امام العالم دارد، تاکید بر قرابت و شایستگی‌های ذاتی علی (ع) دارد که نه ابن عربی و نه هیچ یک از اندیشمندان منصف اهل سنت آن را انکار نمی‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ابن عربی، پیامبر اسلام (ص)، مخلوق اول، علی (ع)، امام العالم، اسرار الانبیاء.

مقدمه

ابن عربی بزرگ ترین عارف مسلمان به ویژه در حوزه عرفان نظری است. وی با تألیف آثار گوناگون عرفانی به ویژه فتوحات مکیه و فصوص الحکم، شهرت جهانی پیدا کرده است. در میان مسلمانان نیز از توجه ویژه و جایگاه خاصی برخوردار است. هم طرفدارانی دارد و هم مخالفانی. روشن است که هر یک از دو طرف متخاصم به عبارات های وی و اندیشه هایش چنگ می زند و آن ها را مستمسک خود قرار می دهد. رمزگشایی از عبارات وی گاهی چنان دشوار است که مقالات مختلف نمی تواند به توفیقی دست یابد و محققان در پایان ممکن است سرگشته و خسته نتوانند به جمع بندی مورد قبولی برسند. در این مقاله بر آنیم تا عبارت معروف وی را که در باب ششم فتوحات کلیه آورده است و ناسخان فتوحات آن را مختلف گزارش کرده اند بپردازیم و ضمن طرح دلایل هر یک از طرفین به عبارت صحیح و نتیجه نزاع توجه دهیم.

وی در باب ششم فتوحات مکیه بعد از طرح خلقت پیامبر (ص) به عنوان اولین مخلوق خداوند می نویسد: «و اقرب الناس الیه علی بی ابی طالب» تا اینجا اختلافی وجود ندارد، ناسخان فتوحات عبارت بعدی را متفاوت نوشته اند:

۱- امام العالم و سر الانبیاء اجمعین

۲- اسرار الانبیاء اجمعین

۳- امام العالم و الجامع لاسرار الانبیاء اجمعین

۴- اسرار الانبیاء و الاولیاء اجمعین

۵- سر الانبیاء اجمعین، ثم سائر الانبیاء و الاولیاء

پر واضح است که اختلافات شیعیان و اهل سنت در خصوص این عبارت باعث شده است هر یک دیگری را متهم به دخالت و تحریف عبارت ابن عربی کرده باشد.

باب ششم فتوحات مکیه

ابن عربی در فتوحات مکیه جلد یکم، صفحه صد و هفده (چهار جلدی) در باب ششم در شناخت آغاز آفرینش روحانی و اینکه اولین آفریده خداوند کیست، از چه به وجود آمده و در چه ایجاد شده و به چه صورتی خلق شده و چرا ایجاد شده و هدف خلقتش چیست؟ و شناخت افلاک عالم بزرگ و کوچک، در ذیل روایت کان الله و لم یکن معه شیئی (۱۱۹)

می‌گوید: برای خداوند در ایجاد جهان صفتی که از قبل برایش نباشد، به وجود نیامده است، بلکه خداوند در ذات خویش صفت خالقیت را داشته و قبل از آفرینش به اسامی آفریده‌هایش نامیده می‌شده است. زمانی که اراده کرد تا جهان را ایجاد کند و آن را بر اساس حدود دانشی که در ذات خویش داشت آغاز کند. از آن اراده مقدس به نوعی از تجلیات تنزیهی حقیقت کلی متأثر شد، آن حقیقت کلی «هباء» نامیده شد. این حقیقت همچون ساختمانی است که در آن هر شکل و صورتی می‌تواند ایجاد شود.^۱ هباء اولین موجود مخلوق عالم است و علی (ع) و سهل بن عبدالله و غیر این دو از اهل تحقیق و کشف و وجود آن را یاد کرده‌اند.

سپس خداوند بر آن هباء با نورش تجلی کرد، فیلسوفان آن را هیولای کل می‌نامند. تمام عالم در هیولی به صورت بالقوه و استعداد وجود دارد، بنابراین هباء بر اساس استعداد و توانش از خداوند هر شیئی را می‌پذیرد، چنان‌که زوایای خانه، نور چراغ را می‌پذیرد. و به اندازه نزدیکی‌اش به آن نور، روشنایی و پذیرشش شدت می‌گیرد. خداوند می‌فرماید: «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» (نور: ۳۵)، خداوند نور خود را به مصباح تشبیه کرد.

نزدیک ترین چیزی که به هباء از جهت پذیرش وجود داشت حقیقت محمد (ص) که عقل نامیده می‌شود، است. پس پیامبر (ص) سرور تمام عالم بود و اولین موجودی است که در هستی ظاهر گشت، بنابراین وجود آن حضرت از آن نور الهی و از هباء و حقیقت کلی ایجاد شد. در هباء عین آن حضرت و عین عالم از تجلی او وجود یافت. نزدیک ترین مردم به پیامبر (ص) علی بن ابیطالب (ع) و اسرار تمامی انبیاء است.

عبارت ابن عربی در فتوحات چاپ دارالصادر و یا دار احیاء التراث چنین است: و اقرّب الناس الیه علی بن ابی طالب و اسرار الانبیاء اجمعین.^۲

۱. جرجانی در تعریفات درباره هباء می‌نویسد: هباء چیزی است که خداوند اجساد عالم را در آن پدید آورد. این شیی در هستی تنها با صورت‌هایی که در آن ایجاد می‌شود، حاصل می‌شود، آن را عنقاء می‌نامند از این جهت که می‌شوند در حالی که در خارج وجود خارجی ندارد، نیز هیولی نامیده می‌شود. از آنجا که هباء با توجه به ترتیب هستی در مرتبه چهارم بعد از عقل اول، نفس کلی و طبیعت کلی به وجود آمده است، جوهری شده است که در آن صورت‌های اجسام ایجاد می‌شود، زیرا مرتبه پایین‌تر از وی مرتبه جسم کلی است. این مرتبه از هباء تعقل نمی‌شود مگر همچون تعقل سفیدی و سیاهی در سفید و سیاه، بنابراین سیاهی و سفیدی در تعقل وابسته به سفید و سیاه است. (التعریفات، ۱۱۲)

هباء از نظر لغت: هباء به طور مطلق غبار است یا غباری که شبیه دودی که در فضا منتشر شده است. گفته شده: ریزگردهای (گرد خاک) پخش شده و منتشر شده در سطح زمین. (تاج العروس من جواهر القاموس، ۳۲۴/۲)

۲. عثمان یحیی تصحیح کننده فتوحات در متن کتاب لفظ اجمعین را نیاورده است، اما در پاورقی جلد دوم صفحه ۲۲۷ و در نسخه بدل‌های این عبارت می‌نویسد: در نسخه B چنین آمده است: علی بن ابی طالب رضی الله عنه امام العالم و سر الانبیاء اجمعین، وی سپس در داخل پرانتز توضیح می‌دهد: یک فرق مهم بین روایت نسخه اصل و نسخه B ملاحظه می‌شود، این عبارت دارای اشاره‌های روشن شیعی است. وی در معرفی نسخه B در جلد اول، صفحه ۱۷ به عنوان نسخه دوم می‌نویسد: این مخطوط بایزید است که با حرف B آن را نشان می‌دهیم. این

اشکال یکی از معاصران

نویسندگان معاصر تأکید فراوان دارند تا عبارت صحیح را اشاعه دهند، از جمله مرحوم علامه آشتیانی و حضرت آیه الله حسن حسن زاده آملی در اکثر آثارشان عبارت را این چنین گزارش داده‌اند: امام‌العام و سر‌الانبياء اجمعین.

آقا میرزا محمد رضا قمشه ای در رساله ولایت این عبارت را از قول ملا محسن فیض کاشانی از کتاب کلمات مکنونه نقل می‌کند. این عبارت و نقل مورد اشکال یکی از معاصران قرار گرفته است. ایشان ضمن تقدیر از مرحوم قمشه ای می‌نویسد: شگفتا از استاد دانایی چون قمشه‌ای برای اینکه ثابت کند به عقیده ابن عربی علی - علیه السلام - و خاتم ولایت خاصه محمدی اعم از علی و مهدی موعود بر عیسی برتری دارند، خود را به تکلف انداخته و حتی عبارات ابن عربی را به صورتی آورده که در آثارش به آن صورت دیده نشده است.

مثلا این عبارت فتوحات مکیه: «و اقرب الناس الیه علی بن ابی طالب و سر الانبياء» (فتوحات مکیه، ۱/۱۱۹، باب ۶؛ تصحیح عثمان یحیی، ۲/۲۲۷، باب ۶) بدون اینکه مراجعه به کتاب مذکور بکنند از «کلمات مکنونه»^۳ فیض کاشانی به این صورت نقل کرده است: «و اقرب الناس الیه علی بن ابی طالب امام العالم و سر الانبياء اجمعین»، یعنی که نزدیک ترین کس به محمد - صلی الله علیه و آله - علی بن ابی طالب است و او امام عالم و سر همه انبیاست. مسلم است اگر عبارت به صورت مذکور و منقول فوق باشد با نظر قمشه‌ای سازگار خواهد بود که به عقیده ابن عربی، علی علیه السلام - امام عالم است و بر همه انبیا از جمله عیسی برتری دارد.

اما من اکثر نسخ مطبوع فتوحات مکیه را مطالعه کردم، نسخه تصحیح عثمان یحیی را هم که نسخ مختلف را در پاورقی آورده دیدم، جز در یک نسخه عبارت به صورتی نیست که فیض کاشانی و به واسطه وی آقا محمد رضا قمشه‌ای نقل کرده‌اند بلکه به همان صورتی است که ما نقل کردیم. (فتوحات مکیه، تصحیح عثمان یحیی، ۲/۲۲۷)

اکنون جهت پاسخ به این اشکال و همچنین پاسخ به این سؤال که کدامیک از این عبارات

نسخه از چهار جلد تشکیل گردیده و کل کتاب را شامل می‌شود. این نسخه نیز قدیمی است، قبل از سال ۶۳۸ ق. نوشته شده باشد و از این جهت بر نسخه اول (نسخه اصل) برتری دارد. نا گفته نماند که احمد شمس الدین نیز در تصحیح فتوحات عبارت «اسرار الانبياء اجمعین» را آورده است. (۱/۱۸۴)

۳. در کلمات مکنونه آمده است: «قال صاحب الفتوحات بعد ذکر نبینا - صلی الله علیه و آله - و انه اول ظاهر فی الوجود قال و اقرب الناس الیه علی بن ابی طالب امام العالم و سر الانبياء اجمعین.» (۲۰۳). مرحوم قمشه‌ای در رساله ذیل فص شیشی، عبارت مزبور را به صورت فوق نقل کرده و به آن استناد جسته است. (۱۰)

صحیح است به ویژه دو عبارت «امام العالم و سر الانبیاء اجمعین» و «اسرار الانبیاء اجمعین»، به آثار و مؤلفانی مراجعه می‌کنیم که این عبارت را در آثارشان آورده‌اند. این موضوع را از حیث تاریخی پی می‌گیریم تا بهتر بتوانیم قضاوت کنیم.

۱ - نسخه B که در پاورقی جلد دوم صفحه ۲۲۷ صحیح عثمان یحیی به آن اشاره شد. مربوط به قبل از ۶۸۳ ق است.

۲ - سید حیدر آملی (متوفای ۷۹۴ ق):

الف: المقدمات من کتاب نص النصوص صفحه ۵۱: امام العالم و سر الانبیاء اجمعین

ب: المقدمات من کتاب نص النصوص صفحه ۱۹۵: و اسرار الانبیاء

ج: جامع الاسرار و منبع الانوار صفحه ۴۱۰: و اسرار الانبیاء اجمعین

د: انوار الحقیقه و اطوار الطریقه و اسرار الشریعه صفحه ۳۰۹: و أسرار الأنبياء اجمعین^۴

ه: تفسیر المحيط الاعظم جلد سوم صفحه ۲۸۱: و اسرار الانبیاء اجمعین.

نتیجه: هر دو عبارت مورد توجه سید حیدر آملی بوده است. به نظر می‌رسد برای ایشان عبارت‌ها تفاوتی نداشته است، حداقل از جهت نتیجه.

۳ - فناری (متوفای ۸۳۴ ق) در مصباح الانس بین المعقول و المشهود صفحه ۴۰۷ عبارت ابن عربی را چنین آورده است: ثم سائر الانبياء.

۴ - عبد الوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ ق) در الیواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الأكابر متوفای ۹۷۵ ق می‌نویسد: (۳۳۹/۲): الجامع لأسرار الأنبياء أجمعین.

وی در ادامه می‌نویسد: این کلام ابن عربی درباره امام علی رضی الله عنه که او جامع اسرار انبیاء است، از قول حضرت خضر (ع) در حق شیخ ابومدین تلمسانی نیز نقل شده است. وقتی از وی سوال شد که او جامع اسرار مرسلین است گفت در عصر خویش جامع تر از او را برای اسرار مرسلین نمی‌شناسم. از این کلام فهمیده می‌شود چنانکه ابن عربی در فتوحات گفت: تمامی انبیاء و مرسلین از روح پیامبر اسلام (ص) کمک می‌گیرند؛ زیرا او قطب تمامی قطب‌ها است چنانکه به طور مبسوط در بحث خاتمیت وی نسبت به پیامبران خواهد آمد. پس پیامبر

۴. مصحح انوار الحقیقه و اطوار ... در صفحه ۳۰ در پاورقی از فتوحات همین مطلب را نقل می‌کند، غیر از اشتباه در آدرس فتوحات چاپ دار احیاء التراث العربی (دار صادر، ۱۹۹/۱) به جای ۱۱۹، و جلد دوم چاپ عثمان یحیی صفحه ۲۲۶ می‌نویسد: اقرّب الناس الیه علی ابن ابی طالب رضی الله عنه امام العالم و سر الانبیاء اجمعین، در متن نیز خطا می‌کند. البته در صفحه ۳۰۹ آدرس را درست می‌نویسد اما همان عبارت را تکرار می‌کند که در نسخه‌های موجود وجود ندارد. متأسفانه ایشان در صفحه ۳۱۰ و در پاورقی همان اشتباه خطا در آدرس و در متن را مرتکب می‌شود.

اسلام (ص) کمک کننده تمامی انسان ها از ابتدا تا انتها است، پس او یاری رسان هر نبی و ولی است که قبل از ظهور وی به دنیا آمده اند، در حالی که او در عالم غیب بوده است، و یاری رسان هر ولی لاحقی است که بعد از وی می آید. بدین ترتیب پیامبر اسلام (ص) با این امداد او را به مرتبه کمال خویش می رساند در حالی که آن ولی در عالم شهادت وجود دارد و زنده است و حال آنکه پیامبر اسلام (ص) به عالم غیب که همان برزخ و دار آخرت است منتقل شده، چرا که انوار رسالت پیامبر اسلام (ص) از جهان چه نسبت به متقدمان و چه نسبت به متأخران هرگز قطع نمی شود. (البواقیت، ۳۳۹/۲)

آنچه از این عبارت می توان استفاده کرد این است وقتی پیامبر (ص) چنین شأنی دارد، پس نزدیک ترین فرد به او نیز نسبت به پیامبران و مرسلین و اولیاء دیگر مرتبه اش بالاتر است. در واقع علی (ع) پایین تر از پیامبر اسلام (ص) و بالاتر از تمامی انبیاء و اولیاء است چه انبیاء مرسل و چه غیر مرسل.

۵- ملا عبد الباقی صوفی تبریزی (متوفای ۱۰۳۹ ق) منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغه جلد اول صفحه ۶۲۰: امام العالم و سر الانبياء اجمعين.

۶- ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ق) در کلمات مکنونه: صفحه ۲۰۳ در ذیل کلمه علویه می نویسد:

قال صاحب الفتوحات بعد ذکر نبینا صلی الله علیه و اله و انه اول ظاهر فی الوجود قال: امام العالم

تا صورت پیوند جهان بود علی بود تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود

۷- مرحوم قاضی سعید قمی (متوفای ۱۱۰۷ ق) در صفحه ۲۵۹ شرح الاربعین می نویسد: امام العالم و سر الانبياء اجمعين.

۸- فتوحات چاپ بولاق شهر قاهره مصر: ۱۲۶۹ ق: امام العالم و سر الانبياء اجمعين.

۹- میر سید حامد حسین (متوفای ۱۳۰۶ ق) در عبقات الانوار جلد ۱۷:

الف: صفحه ۵۹۲ وجه ۲۶: امام العالم باسره و الجامع لاسرار الانبياء اجمعين

ب: صفحه ۶۱۰ وجه ۲۷: الجامع لاسرار الانبياء اجمعين

ج: صفحه ۶۸۹ وجه ۴۰: امام العالم باسره و الجامع لاسرار الانبياء اجمعين (به نقل از

البواقیت و الجواهر)

۱۰- مرحوم قمشه ای (متوفای ۱۳۰۶ ق) امام العالم و اسرار الانبياء اجمعين. ایشان در

رساله الولایه^۵ (شرح فصوص الحکم قیصری، چاپ مرحوم آشتیانی، ۴۴۹) از این عبارت ابن عربی سه نکته مهم را استفاده کرده و ضمن اثبات ختم ولایت علی (ع) و رد نظر شیخ که حضرت عیسی (ع) خاتم اولیاء است، سه نکته را استفاده می‌کند:

الف: ابن عربی تصریح می‌کند که علی (ع) نزدیک‌ترین مردم به پیامبر (ص) است. این اطلاق در قرب شامل قرب معنوی و صوری یعنی قرب عالم شهادت و غیب می‌شود. صیغه تفضیل در اقرّب یا به معنای زیادی فضیلت بر تمامی مردم است و یا نفی زیادت فضیلت بر مردم است. در صورت اول، پس نزدیکی علی (ع) نسبت به پیامبر از تمامی انسان‌ها بیشتر است، و در صورت دوم نیز همین‌گونه است زیرا اصل و ریشه ولایت مطلقه همان خاتم پیامبران است. پس هر کسی که نسبت به پیامبر (ص) اقرّب است یعنی نزدیک‌تر از او به خاتم پیامبران وجود ندارد، او همان خاتم ولایت مطلق است. این نکته نیز روشن است که خاتم تعدد بردار نیست، پس کسی که از او به پیامبر (ص) نزدیک‌تر نیست، تعدد ندارد. بنابراین نزدیکی چنین فردی (علی (ع)) از همه مردم بیشتر است و آن همان خاتم ولایت است، و غیر او پایین‌تر از وی بوده و تحت پرچم او قرار دارد و از او ولایت را می‌گیرد. یکی از اولیاء الهی جبرائیل است و علی (ع) آنچنان‌که مشهور است معلم اوست. حضرت عیسی از دمیده شدن جبرائیل به وجود آمده است و از این جهت روح الله می‌باشد، پس ولایت را از علی (ع) می‌گیرد.

ب: ابن عربی تصریح می‌کند که او امام عالم است، در حالی که حضرت عیسی جزئی از عالم می‌باشد پس علی (ع) امام حضرت عیسی (ع) است. روشن است که امام بر مأموم مقدم است. بنابراین علی (ع) مقدم بر حضرت عیسی (ع) است، پس او خاتم اولیاء است.

ج - ابن عربی تصریح می‌کند که علی (ع) سر تمامی انبیاء است و عیسی (ع) نیز یکی از انبیاء می‌باشد، پس علی (ع) سر حضرت عیسی (ع) است. سر انبیاء همان ولایت ایشان می‌باشد. پس علی (ع) با ولایت خویش در حضرت عیسی (ع) و دیگران پیامبران قرار گرفته است. بدین ترتیب ولایت علی (ع) ولایت مطلق است که در تمامی موجودات مقید سریان و جریان دارد و موجودات مقید شئون و ظهورات او بوده و از او گرفته شده‌اند، پس او خاتم

۵. رساله الولایه مرحوم میرزا محمد رضا قمشه‌ای به صورت‌های ذیل چاپ شده است: حواشی شرح فصوص الحکم مرحوم علامه آشتیانی از صفحه ۴۴۰ ذیل عبارت «اما ختم الولایه المحمدیه» در فص شیخی پاورقی شماره ۱۵ تا صفحه ۴۶۳. مجموعه آثار آقا محمد رضا قمشه‌ای، از صفحه ۱۱۱ تا ۱۴۸. رسائل قیصری چاپ مرحوم علامه آشتیانی از صفحه ۵۷ تا صفحه ۸۹. ضمیمه رساله موضوع الخلافه الکبری، به کوشائی منوچهر صدوقی سها در ۱۳۵۴ خورشیدی در مطبعه نور قزوین

است و همه ولایت را از او می‌گیرند، بنابراین حضرت عیسی (ع) نیز از او ولایت را می‌گیرد. اگر اشکال کنی که: ابن عربی در چند جای فتوحات تصریح می‌کند که حضرت عیسی (ع) خاتم اولیاء است، در پاسخ می‌گویم: مقصود ابن عربی از ختم ولایت، ولایت عامه است که مقابل ولایت خاصه است. ولایت خاصه شامل هر دو ولایت می‌شود.

۱۱ - مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه (متوفای ۱۳۱۴ ق) در تعلیقات بر شرح فصوص الحکم قیصری صفحه ۲۷۰: و سرالانبیاء أجمعین، ثم سائر الانبیاء و الأولیاء.

۱۲ - محمد حامد الفقی (متوفای ۱۳۷۸ ق):

محمود محمود الغراب در کتاب «شرح کلمات صوفیه در رد بر ابن تیمیه در خصوص کلام شیخ اکبر محی الدین عربی» در مقدمه کتاب از توجه نویسندگان ولو کافران به مستند نویسی و رعایت امانت در نقل کلام دیگران در آثارشان سخن می‌گوید. این کار را باعث حفظ وزانت علمی و جایگاه نویسنده در میان اندیشمندان می‌داند، اما به صورت گلابیه از برخی از نویسندگان مسلمان که با ادعای مسلمانی رعایت امانت در نقل را نکرده و آنچه خود دوست دارند به نگارش در می‌آورند یاد می‌کند. به‌ویژه آنکه امروز مراجع و کتاب‌ها و آثار گذشتگان به فراوانی در اختیار ایشان است، در حالی که در گذشته چنین نبوده است. وی سپس به عنوان مثال محمد حامد الفقی را نام می‌برد که وی در حاشیه تحقیق خویش بر مدارج السالکین ابن قیم جوزی و در نسخه چاپ شده در دارالکتاب عربی در بیروت به سال ۱۹۷۲م، در حاشیه صفحه ۶۰ از جلد اول می‌نویسد: ابن عربی حاتمی بزرگ صوفیان که از زبان ایشان سخن می‌گوید می‌نویسد:

العبد رب و الرب عبد یالیت شعری من المکلف

ان قلت عبد فزاک رب أو قلت رب أنى یکلف

محمود الغراب عبارت صحیح را چنین می‌آورد:

الرب حق و العبد حق یا لیت شعری من المکلف

ان قلت عبد فذاک میت أو قلت رب أنى یکلف

سپس از همین نویسنده در کتاب «التصوف بین الحق و الخلق» نقل می‌کند که وی در ابتدا خود را با لقب‌های محقق آزاد، ناقد خُر، یاد می‌کند ولی عباراتی به ابی عربی نسبت می‌دهد که حقیقت ندارد. وی در صفحه ۸۷ این کتاب درباره آغاز خلقت هباء می‌نویسد... سپس از قول ابن عربی می‌آورد: و اقرب الناس... امام العالم و سر الانبیاء اجمعین. در حالی که در صفحه

۱۱۹ جلد اول فتوات مکیه به جای امام العالم و الانبیاء اجمعین عبارت اسرار الانبیاء اجمعین داریم. علی رغم اینکه این جانب به صورت مکتوب نویسنده را از تحریف کلام ابن عربی مطلع ساختم و بر اساس دو نسخه ای که چاپ شده است وی را از این خطایش آگاه کردم، اما وی آن را رد کرده و پاسخ داد: این عبارت ها را در نسخه مخطوطی که در اختیار دارد یافته است، و تجدید کتابش را برای بار دوم با همان تحریفات و افتراات به چاپ رساند، در حالی که من در نامه ای ۱۶ صفحه ای خطاهایش را ذکر کرده بودم. (بخش اول، صفحه ۱۱، زمان نگارش این مطالب ۱۸ رجب ۱۴۰۱ ق در دمشق)

۱۳ - مرحوم علامه سید محمد حسین تهرانی (متوفای ۱۴۱۶ ق) در روح مجرد صفحه ۳۴۷ و ۳۴۸ از قول فیض کاشانی در کلمات مکنونه: امام العالم و سرّ الانبیاء اجمعین

۱۴ - سید علی حسینی میلانی (متوفای ۱۴۲۵ ق) در نفحات الازهار جلد پنجم صفحه های ۲۷۵ و ۲۷۷ و ۳۰۷: امام العالم و سرّ الانبیاء اجمعین

۱۵ - مرحوم علامه آشتیانی (متوفای ۱۳۸۴ ش) نسبت به این عبارت و تغییر آن حساسیت ویژه ای دارد، ایشان در آثار مختلف خود به اصطلاح این عبارت پرداخته است و تأکید فراوان دارد که اصل این عبارت چنین است.

الف: مشارق الدراری شرح تائید ابن فارض مقدمه آشتیانی صفحه ۷۸: امام العالم و سرّ الانبیاء اجمعین

ب: رسائل قیصری صفحه ۱۶۵، در این اثر آمده است: در برخی از نسخ خطی چاپ نشده به «: اقرّب الناس الی رسول الله و سید العالم باسره و اسرار الانبیاء و الأولیاء اجمعین» از آن حضرت تعبیر کرده است.

مرحوم علامه آشتیانی در پاورقی رساله فی التوحید و النبوه و الولایه صفحه ۷۲ از رسائل قیصری می نویسد: اکثر اهل معرفت این مطلب را که حضرت مولی الموالی - علی، علیه السلام - اقرّب الناس الی رسول الله و سرّ الانبیاء اجمعین - و دومین تعین در مقام علم عنائی است و عین ثابت او سمت سیادت بر اعیان جمیع انبیاء و اولیاء دارد، از شیخ اکبر محیی الدین ابی عربی نقل کرده اند از جمله حمزه فناری شارح مفتاح قونوی، شیخ در باب سادس جزء اول - چاپ دار الطباعة الباهرة الكائنة ببولاق محروسة مصر، سنه ۱۲۹۶ ق، صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲، می گوید: فلما اراد الله وجود العالم..... و اول ظاهر فی الوجود فکان وجود من ذلك النور، و

اقرّب الناس الیه علی بن ابی طالب (ع) امام العالم و سرّ الأنبياء اجمعین.^۶
 ج: در حاشیه شرح قیصری بر فص حکمت نبوی در کلمه عیسوی می نویسد: شیخ در ابتدای فتوحات می نویسد:... اقرّب الناس الیه علی بی ابی طالب سر الانبیاء والألیاء، ثم سائر الانبیاء و الأولیاء (۸۴۴) به نظر می رسد در اینجا مرحوم آشتیانی حساسیت خویش را به حداقل رسانده و متوجه شده است که ضرورتی در تأکید بر امام العالم ندارد، زیرا هیچ کس شک ندارد که ابن عربی پس از پیامبر (ص) به عنوان اولین مخلوق الهی از علی (ع) یاد کرده است. در واقع توصیف آن حضرت چنین است.

د: در تمهید القواعد مقدمه آشتیانی صفحه ۸۷ این عبارت را از فتوحات نقل می کند: و کان سر الانبیاء أجمعین، ثم سائر الانبیاء.

ه: در شرح فصوص الحکم در پیشگفتار صفحه ۴۴ این عبارت را آورده است: اقرّب الناس الیه علی بی ابی طالب. سر الانبیاء و امام العالم. ایشان در پاورقی می نویسد: این سخن شیخ نزد جماعت «وهابیه» کفر صریح، و نزد طایفه موسوم به اهل سنت و جماعت غلو به شمار است، و نزد ارباب حق و یقین کلام حقی است مأخوذ از حضرت ختمی مقام، علیه و علی اولاده السلام، هر چند جملگی متکلمان و فقها از درک آن عاجز باشند.

و: سه رسائل فلسفی ملا صدرا: پاورقی ۳ صفحه ۱۶۶: امام العالم و سرّ الأنبياء اجمعین
 ز: شرح بر زاد المسافر ملا صدرا: صفحه ۴۹۱: اقرّب الناس به محمد و سرّ انبیاء
 ح: مقدمه کتاب اصول المعارف فیض کاشانی: صفحه ۳۲۹: اقرّب الناس به محمد و سرّ انبیاء

۱۶ - آیه الله حسن زاده آملی:

الف: نصوص الحکم بر فصوص الحکم صفحه ۵۲۰: امام العالم و اسرار الانبیاء اجمعین
 ب: انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه صفحه ۲۰۲: امام العالم و سر الانبیاء اجمعین
 ج: دومین یاد نامه علامه طباطبایی صفحه ۲۱ مقاله عرفان و حکمت متعالیه: امام العالم، و سر الانبیاء اجمعین

د: مقالات فارسی صفحه ۳۴ لأنه کان سر الانبیاء و العالمین اجمعین
 ه: نامه ها و برنامه ها صفحه ۲۲۸: امام العالم و سرّ الانبیاء اجمعین
 و: یاد نامه مفسر کبیر استاد علامه طباطبایی صفحه ۱۰۹: امام العالم و سر الانبیاء اجمعین

۶. این توضیحات عینا در شرح فصوص الحکم قیصری صفحه ۴۴۹ تکرار شده است.

ز: هزار و یک کلمه جلد اول، صفحه ۳۱۱، جلد دوم، صفحه ۲۰۱ و ۴۵۲ (لأنه كان سرّ الانبياء و العالمين اجمعين)، جلد ششم، صفحه ۶۹: امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين

ح: هزار و یک نکته، صفحه ۵۸۹، نکته ۷۳۲ و صفحه ۷۳۵ نکته ۹۱۴: امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين

ط: عيون مسائل النفس و سرح العيون في شرح العيون: صفحه ۷۷۷: امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين

ی: در پاورقی شرح فصوص الحکم خوارزمی صفحه ۶۶ می‌نویسد:
چنانکه شیخ اکبر در باب ششم فتوحات مکیه فرمود: امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين.

ک: شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری: جلد چهارم، پاورقی صفحه ۱۴۵ و جلد پنجم، صفحه ۱۵۳: امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين

ل: انسان و قرآن، صفحه ۲۰۰: امام العالم و اسرار الانبياء اجمعين.

م: دو رساله مثل و مثال، صفحه ۲۷: امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين

ن: ده رساله فارسی، صفحه ۴۱: امام العالم و اسرار الانبياء

توضیح: مرحوم علامه آشتیانی و علامه حسن زاده آملی چاپ بولاق فتوحات مورد استنادشان بوده است.

نتیجه‌گیری

- ۱ - از میان عبارت‌های مختلف پنج‌گانه تنها دو عبارت شایع‌تر است که عبارتند از: «امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين» و «اسرار الانبياء اجمعين»
- ۲ - با توجه به گزارش منابع قبل از مرحوم قمشه‌ای اشکال آقای جهانگیری وارد نیست.
- ۳ - عبارت «امام العالم و سرّ الانبياء اجمعين» در نسخه‌های ابتدایی وجود داشته است چنانکه عثمان یحیی در پاورقی جلد دوم، صفحه ۲۲۷ به آن اشاره کرده و حتی آن نسخه را از نسخه اصل برتر می‌داند. و در طی قرن‌های مختلف در میان مولفان رایج بوده است.
- ۴ - عبارت «اسرار الانبياء اجمعين» مورد توجه و پذیرش مولفان عزیز شیعه بوده و در آثارشان از آن بهره‌مند شده‌اند.
- ۵ - در اعتبار سنجی عبارات متقدمان نباید به کتاب‌های چاپی عصر خود اطمینان کامل حاصل کنیم، چه بسا برخی از این عبارات‌ها در طول زمان و استنساخ‌های مختلف با غرض

ویژه یا بدون غرض و به صورت سهو تغییر یافته است. باید بر اساس «الفضل لمن سبق» برای نویسندگان و پیشکسوتان احترام قائل شد و درباره آراء ایشان به طور کامل تحقیق و واریسی نمود، شاید حق با ایشان باشد، چنانکه در فقه اجماع فقها را از این جهت گاهی می پذیرند که ممکن است در زمان ایشان مدارک کافی در اثبات و صدور رأی وجود داشته اما الآن از بین رفته است.

۶- به نظر می رسد عبارت صحیح هر دو عبارت است چنانکه هم ناسخان و نسخه های خطی آن دو را گزارش کرده اند و هم در نتیجه اختلاف فاحشی به وجود نمی آید. آنچه مهم است آنکه علی (ع) در این عبارت ابن عربی به عنوان دومین مخلوق الهی مطرح می شود که به پیامبر (ص) نزدیک ترین فرد است، چه او را امام عالم و سر تمامی انبیاء بدانیم و چه او را اسرار تمامی پیامبران خطاب کنیم، به هر حال به نظر می رسد در نتیجه فرقی چندان مهم به وجود نمی آید. به عنوان نمونه به نمونه زیر توجه فرمائید:

محمود محمود الغراب در بخش دوم کتاب «شرح کلمات صوفیه در رد بر ابن تیمیه در خصوص کلام شیخ اکبر محی الدین عربی» در نامه ای خطاب به شیخ عبد العزیز بن باز بزرگ علمای عربستان سعودی و رئیس مجلس اعلی اداره تحقیقات علمی و تبلیغ و ارشاد عربستان در تاریخ ۲۱ محرم سال ۱۴۱۹ ق، گلایه خویش را از دستور وی در بررسی و نقد کتاب هایش توسط فردی به نام عبد القادر السندی یاد می کند. سپس ضمن رد برخی از ایرادات وارد شده از سوی السندی به خودش در بخشی از آن می نویسد: سندی در کتابش این کلام ابن عربی را (اقرب الناس الیه علی بی ابی طالب و اسرار الانبیاء اجمعین) نقد می کند و می نویسد: «این کلام ابن عربی که شیخ محمود الغراب آن را از فتوحات مکیه نقل می کند و درباره حق علی بن ابی طالب رضی الله عنه که می گوید او اسرار الانبیاء اجمعین، است، این باطل و بسیار زشت و کلام منکری است. چگونه ممکن است علی بن ابی طالب اسرار الانبیاء اجمعین باشد، در حالی این توصیف صفت ویژه خداوند است و غیر او از انبیاء و رسولان و صدیقان و صالحان و شهیدان، هیچ یک چنین صفتی ندارند. شایسته بود که شیخ محمود الغراب این کلام را از ابن عربی نقل نمی کرد، بلکه آن را انکار کرده و آنچه آنرا که شایسته است رد می نمود!»

در حالی که السندی واو عطفی قبل از کلمه اسرار آورده است که نه محمود غراب آن را گفته و نه ابن عربی.

السندی همچنین به صورت اعتراض می گوید: «ابن عربی می خواسته است بگوید علی بن

ابی طالب در خلافت بعد از رحلت پیامبر (ص) اولویت دارد.» در حالی که این کلام باطل است؛ ابن عربی نمی خواهد از این عبارت اولویت علی (ع) در خلافت را اراده کند، چرا که رأی او درباره خلافت ابوبکر در کتاب «الفقه عند الشیخ ابن عربی» تدوین شده است و کتاب نزد السندی وجود دارد. (شرح کلمات الصوفیه، بخش دوم، صفحه ۹)

از کلام محمود الغراب دو نکته مهم نتیجه می شود:

عبارت امام العالم و سر الانبیاء اجمعین صحیح است، چنانکه محمد حامد الفقی آن را در کتابش نقل کرده و بر اساس نسخه خطی که در اختیار داشته است تذکر محمود الغراب را نپذیرفته و بر رأی خویش و صحت آنچه از فتوحات نوشته است پافشاری کرده و در چاپ بعد آن را تکرار نموده است.

از عبارت ابن عربی ولو به صورت اسرار الانبیاء اجمعین و بدون امام العالم نیز برتری و شایستگی علی (ع) قابل اثبات و درک است، چنانکه السندی در کتاب خود به آن اشاره کرده است و آن را به خاطر نپذیرفتن خلافت ابوبکر رد کرده و ابن عربی و محمود الغراب را سرزنش نموده و ابن عربی را متهم به غالی گری و تشیع کرده است و از محمود الغراب توقع داشته است ضمن ردیه کلام ابن عربی، در اصل آن را منکر شود.

چنانکه مشاهده شد مرحوم آقا میرزا محمد رضا قمشه ای نیز همین استدلال را در رساله ولایت خویش آورده است.

خلاصه آنکه: چه عبارت به صورت امام العالم و سر الانبیاء باشد و چه عبارت به صورت اسرار الانبیاء اجمعین و یا امام العالم و سر الانبیاء اجمعین در اصل استفاده و دلالت عبارت ابن عربی خللی وارد نمی کند، حداکثر ویژگی که لفظ امام العالم دارد، تاکید بر قرابت و شایستگی های ذاتی علی (ع) دارد که نه ابن عربی و نه هیچ یک از اندیشمندان منصف اهل سنت آن را انکار نمی کنند.

منابع

آشتیانی، جلال الدین، شرح بر زاد المسافر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الأعظم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۲ ق.

_____، أنوار الحقیقة و أطوار الطریقة و أسرار الشریعة، قم: نور علی نور، چاپ اول،

- _____، *جامع الأسرار و منبع الأنوار*، ۱جلد، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- _____، *المقدمات من كتاب نص النصوص*، ۱جلد، تهران، قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه پژوهش‌های علمی در ایران، چاپ اول، ۱۳۵۲.
- _____، *تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم*، تحقیق: سید محسن موسوی تبریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۲ ق.
- ابن عربی، محمد بن علی، *الفتوحات المکیة* (اربع مجلدات)، بیروت: دار الصادر، چاپ اول، بی‌تا.
- _____، *الفتوحات المکیة*، تصحیح احمد شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق. ۱۹۹۹م.
- _____، *الفتوحات المکیة*، تحقیق و تصحیح: عثمان یحیی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۴ م
- _____، *الفتوحات المکیة*، ط دار الطباعة الباهرة الکائنة ببولاق، مصر، ۱۲۶۹ ق.
- جرجانی، علی بن محمد، *کتاب التعریفات*، تهران: ناصر خسرو، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ .
- جمعی از نویسندگان، *دومین یادنامه علامه طباطبائی*، تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، چاپ اول، ملاحظات: مقاله علامه حسن‌زاده از اول کتاب تا صفحه ۶۹ موجود است.
- _____، *یادنامه مفسر کبیر استاد علامه طباطبائی قدس سره*، قم: شفق، ۱۳۶۱، ملاحظات: مقاله علامه حسن‌زاده از صفحه ۴۰۷ تا آخر کتاب موجود است.
- جهانگیری، محسن، *محبی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- حامد حسین، میر سید، *عقیقات الانوار*، اصفهان: کتابخانه امیر المومنین، چاپ دوم، ۱۳۶۶ .
- حسینی طهرانی، محمدحسین، *روح مجرد*، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، چاپ نهم، ۱۴۲۹ ق.
- حسن‌زاده آملی، حسن، *نصوص الحکم بر فصوص الحکم*، تهران: رجاء، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- _____، *انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه*، تهران: الف لام میم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- _____، *انسان و قرآن*، قم: قیام، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- _____، *دو رساله مثل و مثال*، تهران: نثر طوبی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- _____، *ده رساله فارسی*، قم: الف لام میم، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- _____، *عیون مسائل النفس و سرح العیون فی شرح العیون*، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- _____، *هزار و یک کلمه*، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

_____، *مقالات فارسی*، قم: کنگره شیخ مفید.

_____، *نامه‌ها برنامه‌ها*، قم: الف لام میم، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

خوارزمی، حسین بن حسن، *شرح فصوص الحکم*، جلد، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

سبزواری، هادی بن مهدی، *شرح المنظومه*، تصحیح و تعلیق از آیت الله حسن زاده آملی و تحقیق و تقدیم از مسعود طالبی، تهران: نشر ناب، چاپ اول، ۱۳۶۹-۱۳۷۹.

الشعرانی، عبد الوهاب، *اليواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الأكابر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *سه رسائل فلسفی*، مقدمه و تصحیح و تعلیق سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

صوفی تبریزی، ملا عبد الباقي، *منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح و تحقیق حبیب الله عظیمی، تهران: آئینه میراث وابسته به مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.

فرغانی، سعید الدین، *مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض*، تحقیق و تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

فناری، شمس الدین محمد حمزه، *مصباح الأنس بین المعقول والمشهود*، تحقیق و تصحیح: عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۲۰۱۰ م.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *اصول المعارف*، تعلیق و تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

_____، *کلمات مکنونه*، تصحیح و تعلیق عزیز الله عطاردی، تهران: فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ق.

قمشه‌ای، محمد رضا، *مجموعه آثار آقا محمد رضا القمشه‌ای حکیم صهبا*، تحقیق و تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، خلیل بهرامی قصرچمی، اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۷۸.

_____، *رساله الولاية*، ضمیمه رساله موضوع الخلافه الكبرى، به کوشائی منوچهر صدوقی سها، مطبعه نور قزوین، ۱۳۵۴.

قمی، قاضی سعید، *شرح الاربعمین*، تحقیق و تصحیح: نجفقلی حبیبی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۹.

قیصری، داود بن محمود، *شرح فصوص الحکم (القیصری)*، تحقیق و تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

_____، *رسائل قیصری*، تحقیق و تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.

محمود الغراب، محمود، شرح كلمات الصوفية الرد على ابن تيمية من كلام الشيخ الأكبر، دمشق: دار الكاتب العربي، چاپ سوم، ١٤٢٧ ق.

مرتضى زبيدي، محمد بن محمد، تاج العروس، تحقيق و تصحيح: شيرى، على، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، بی تا.

ميلانى، على، نفحات الازهار، قم: مهر، چاپ اول، ١٤١٤ ق.